

مکاشفه ای برای آیات ارغوانی عشق

درنگی بر مجموعه‌ی «مقتل گل سرخ» / منظومه ای در نینوا / سروده‌ی عبدالرضا رضایی نیا

فرامرز محمدی پور

بک.

شعر با جوهره‌ی عرفانی، هنری است که ماهیتی روحانی دارد و شعر آئینی و به تعبیری شعر دینی چنین بشمار می‌رود که در نخستین نگرش، زیبایی و تأثیر شگفت‌انگیزش این فرآیند را پیش رو می‌گذارد که بایستی به تعالی اندیشه بیشتر اندیشید و به زیبایی این بیت «بیدل دهلوی» که آئینه‌ی عشق حقیقی را در کربلا می‌بیند:

کیست در این انجمن محرم عشق غیور
ما همه بی غیر تیم، آئینه در کربلاست

و اینجاست «عاشورا» زرین‌ترین برگ کتاب آفرینش با حضوری عاشقانه، عارفانه و دردمندانه همراه شور و شوق عاشقانی می‌شود که «گنجینه الاسرار» عمان سامانی را به مرور می‌نشینند و دریایی از عرفان اندیشه و احساس را به بهت می‌نگرند و بی‌درنگ غرق عشق و عرفان می‌شوند و با بند بند «محتشم کاشانی» آیه‌های عاطفی عاشورا را به «مرثیه» می‌برند و بر سالار شهیدان آبی‌ترین دعا را ارزانی می‌دارند تا شفاعتی بارانی شود. علامه مجلسی در «بحار الانوار» آورده است که رسول خدا (ص) فرمود: بار خدایا، من حسین را دوست دارم و آنان که دوستدار او هستند نیز دوست دارم... به ناگاه این شعر زیبای «م. مؤید» از مجموعه‌ی «مگر با لبخنده‌ی ماه» آئینه می‌شود:

خدا، محاصره نمی‌شود

خدا را نمی‌توان سر برید

و من فرزند پدرم نیستم

اگر حسین نباشم

آنچه آمد این ضرورت را بر می‌انگیزد که شعر آئینی در سه محور حماسی، تاریخی و عاطفی دور می‌زند با ساختار کلی از لحاظ موضوعی که به شعر توحیدی، شعر رهایی و شعر ولایی تقسیم می‌گردد و شعر ولایی به سبب وجه شیعی از ارادت و بسامد روشنی نزد ایرانیان برخوردار است با دو رویکرد شعر ماتمی و شعر مناقبی - در نتیجه می‌توان موضوع پیام عاشورا را به سه فرآیند سوگ، حماسه و عرفان تعمیم داد.

این نکته نزد اهل پژوهش حضوری شایسته دارد که: تمزیه نامه‌ها یا نمایشنامه‌های منظوم از دوران سلطنت احمد بن بویه معروف به معزالنوله / چاووش خوانی / سخنوری از دوره‌ی صفویه / و مولود خوانی از نمونه‌های بارز توجه ایرانیان به دین و مذهب بوده و بی‌تردید «عاشورا» آموزنده‌ترین و تکان‌دهنده‌ترین واقعه‌ای است تا انسان از این واقعیت به حقیقت عاشورا برسد و به تعبیری «کربلا» ترسیم ماهیت جغرافیایی زمین است و عاشورا تبیین هویت تاریخی زمان و جای شعر عاشورا در همه جا!...

دو.

شعر عاشورایی «دیروز» بیشتر جنبه‌ی روایی داشته یعنی تاریخ خوانده می‌شد و سپس وقایع عاشورا به نظم کشیده می‌شد و «مرثیه» زیبنده‌ترین نام برای اشعاری از این دست که فاقد تخیل و تصویرسازی بدیع و به ندرت



شماره ۶۷
پاییز ۱۳۸۸

مقدمه‌ای به شکل شعر سپید که می‌توان این فرآیند را شیوه‌ای نو و جدید بر شمرد که مختص مکاشفه و فکر بدیع «رضایی نیا» است



شماره ۶۷
پاییز ۱۳۸۸

دارای زبان و تصویر نو بودند که این فرض حکم کلی ندارد ولی می‌توان قریب به اتفاق اشعار عاشورایی «دیروزی» را اینگونه پیش رو داشت:

**شهید راه خدا و شفیع روز قیامت
خدایو کشور ایجاد و شاه ملک امامت
ز بهر رزم مخالف نمود راست چو قامت
به خیمه گاه حریمش قیام کرد قیامت**

«مدرّس اصفهانی»

**یادم آمد باز سوز کربلا
داستان جنگ روز کربلا
کز خزان کین، چو از سرو سهی
گلشن آل پیمبر شد تهی
نوجوانان هر یکی با روی ماه
تشنه لب خفتند بر خاک سیاه
غیر اعوان رشید آن جناب
غیر انصار شهید آن جناب**

«جوهری قزوینی»

**بزرگ فلسفه‌ی قتل شاه دین این است
که مرگ سرخ به از زندگی ننگین است
حسین مظهر آزادی و آزادی است
خوشا کسی که چنینش مرام و آیین است**

«خوشدل تهرانی»

**یاران سیه پیوستید، ماه محرم آمد
ماه محرم آمد، هنگام ماتم آمد
ماتم به روی ماتم، غم بر سر غم آمد
دوران کفر گردید، اسلام در هم آمد**

«مفتول همدانی»

در پژوهش «عاشورا در غزل معاصر گیلان» که بیشتر به انجام رساندم در تحلیلی کوتاه شعر عاشورایی معاصر این سامان را به سه گروه تقسیم کردم:

- ۱- اشعاری که بیشتر به بیان مفهوم، پیام فرهنگ عاشورا و پیام‌های مذهبی و اجتماعی تعلق دارند
- ۲- اشعاری که با قالب منظومه تنها به بازگو نمودن و روایت تاریخی وقایع مختلف کربلا خلاصه می‌شود.
- ۳- اشعاری که در سوگ شهیدان کربلا سروده شده و ردیف سروده‌های سوگواری قرار می‌گیرند.

این تقسیم‌بندی می‌تواند در بررسی اشعار عاشورایی شاعران معاصر مدنظر قرار گیرد و در یک مقایسه به این نتیجه رسید که شعر عاشورایی متقدمین بیشتر در حال و هوای «مرثیه» نور می‌زد و «مقتل گل سرخ» منظومه‌ای در نینوا از آثار موفق، خواندنی و گیرای شاعر و مترجم توانای معاصر «عبدالرضا رضایی نیا» است که نشر بین الملل این مجموعه‌ی سرشار از «پرسه‌ی پلک‌های بارانی» را به زیور طبع آراست و شاهد مثال روشنی برای شعر موفق عاشورایی امروز! این مجموعه را وقتی به بازخوانی می‌نشینیم توجه به قالب و تکنیک/تکیه بر تخیل و تصویر سازی‌های نو/ساختار ذهنی جدید با حرکت بسوی شعر مدرن/

توجه به سبک هندی با نازک خیالی و مضمون آفرینش بیشتر/گرایش به فرم و محتوا (شعر راستین)/جهش درونی از جهان ذهنی بسوی عینی یعنی حضور پرطنین اجتماع ما را به این فاکتورها سوق می‌دهد باید وارثان آب و خرد و روشنی بود و به ماندگاری اندیشید و اشعار مانا آفرید

سه.

«مقتل گل سرخ» را با سی شعر و یک مؤخره پیش رو داریم اشعاری که با رویکرد منظومه و قالب‌هایی چون سپید، مثنوی، غزل مثنوی و دو بیتی از عاشورا می‌گوید و به نیت اینکه اگر ترنم این مقتل بارانی به عنایتی نواخته شود نثار مادر و پدر باشد:

**هنوز هم شمع‌های روشن دست و دلم از نینواست...
و یاد نینوا آغوش پدر است
و آتش شعله و مهر مادر
بهانه‌ی عاشقانه‌ی زندگی است
راز سرسپردگی تمام دل سپرده هاست
پرسه‌ی پلک‌های بارانی - ص ۱۲۹**

مقتل گل سرخ، روایتی واحد است و هر سه شعر با مقدمه‌ای آغاز می‌شود مقدمه‌ای به شکل شعر سپید که می‌توان این فرآیند را شیوه‌ای نو و جدید بر شمرد که مختص مکاشفه و فکر بدیع «رضایی نیا» است و به واقع وجه دینی دارد یعنی اشاره به سی جزء قرآن کریم:

مقدمه‌ی «شش» صفحه‌ی ۲۲:
می‌آیی
از لابه لای زخم‌های درهم تنیده
روح را برمی‌داری،
بال می‌زنی
- بالا بال -

و غریب
می‌خندی
و می‌نشینی

شعله در چشم...

شعر «بی‌نهایت نگاه» - صفحه‌ی ۲۳:
به خون تصویر شد طرح شهادت
ادامه دارد این شرح شهادت
شهادت تا ابد پروانه‌ی توست
که عقل عاشقان دیوانه‌ی توست
به نام نامی تو عقل ما سرخ
جنون و عشق در آیینها سرخ
یا:

مقدمه‌ی «شانزده» - صفحه‌ی ۶۳:

**من در سراسر تاریخ
نوباوه‌ای ندیده‌ام
که چنین زیبا
سلطان عاشقان جهان باشد
لبخند مختصر**

و الوداع

گل سرخ!

شعر «الوداع گل سرخ» - صفحه‌ی ۶۴:

گلویت را ببوسم نازدانه

به لحنی تازه سردادی ترانه

در این قاب غمین، چشم ات چه زیباست

دریقا عمر گل کوتاه کوتاست

درخشیدی و پر کردی و رفتی

جهان را مختصر کردی و رفتی

چهار.

«مقتل گل سرخ» نشان می‌دهد شاعر در کنار ذهن شاعرانه و توانا عاشورا را خوب می‌شناسد و هنوز که هنوز است «تبار سر بریده‌ی میرزا کوچک خان را در ماجرای سربریده‌ی سردار عاشقان جهان حضرت سید الشهداء علیه السلام جستجو می‌کند و تبار همه‌ی گل های آسمان آواز را...» و عشق و عرفان و معرفت الهی سبب گردید تا واژه‌های صمیمی به دور از هرگونه پیچیدگی و ابهام اشعار عاشورایی این مجموعه را، مقدس بیاراید

و اینکه برای بازگویی حقیقت عاشورا نیازی به پیچیدگی نیست می‌توان در سایه‌ی نازک خیالی و مضمون آفرینی عاشورا را به تماشا نشست، تماشایی که به یقین شفاعتی به دنبال دارد و «رضایی نیا» ساده، صمیمی، مؤمنانه و عاشقانه واژه‌ها را در خدمت می‌گیرد:

۱- ساده:

بهاری می‌کند نامت جهان را

طراوت می‌دهد سوز نهران را

اگر چه تا ابد داغ تو ماناست

حسینا! زندگانی با تو زیباست

شعر «آب ناب» - ص ۲۰

فدای غیرت ربانی تو

تو ابراهیم و ما قربانی تو

فدای تو هزاران بار، ای یار

تو ما را بی وفا در عشق مشمار

شعر «شب، آینه، تماشا» - ص ۲۸

طواف خیمه‌های نینوا بین

میان خاک و خون سعی و صفا بین

خدا این جا، خدا با ماست، این جا

خدا تنهاترین تنهاست، این جا

شعر «چاووش خوانی» - ص ۱۲

۲- صمیمی

خداوندا! مرا چندان خیر نیست

نمی‌دانم که اسم اعظم ات چیست

مهم این است؛ می‌دانم که هستی

تماشا را به رویم در نبستی

شعر «اعتراف» - ص ۹

چنان در معرض عشق شدیدی

که سالار شهیدان را شهیدی

خدا می‌خواست تا غوغا کنی، آی!

به روی آدمی در وا کنی، آی!

شعر «سر به مهر» - ص ۲۵

در این سو، چشم‌ها غرق بهشت است

در آن سو، وای! دوزخ سرنوشت است

بهشت من تویی، ای سوره‌ی نور

دریقا! از تو دورم، یک جهان دور

شعر «آزاد مرد» - ص ۴۷

۳- مؤمنانه:

هو... حق / تمام تنم / آیات ارغوانی عشق است / من / در نماز تو /

می‌ایستم به محو! / هو... حق / نماز تو زیباست

مقدمه‌ی «سیزده» - ص ۵۱

تو گفتی «بت پرستی...» بت کدام است؟

بیا بشکن، بسوزان! بت حرام است

بیا دریاب اصل ماجرا را

در آینه‌ی بین؛ خون خدا را

خدا در ذات این آینه پیداست

خدا زیباست، پس آینه زیباست

شعر «با چشم تردیدیان» - ص ۱۱۰

قسم خوردم که زیبایی بینم

هجوم عشق و شیدایی بینم

ز شعر افسانه و افسون نیاقم

نباشم مویه‌خوان مرگ و ماتم

شعر «سوگند و صدا» - ص ۱۱۸

۴- عاشقانه

دلا! دل‌داده‌ی دل‌دادگی باش

همیشه بنده‌ی آزادگی باش

عزیز دوست را ذلت محال است

گواه راه او خون زلال است

شعر «وارث آدم» - ص ۱۱۱

چون عاشقان عقل جلالی است

زلالی در زلالی بر زلالی ست

فراسوی خرد خواندن، پریدن

خدا را دیدن و خود را ندیدن

شعر «از جنون تا عشق» - ص ۱۰۳

نگار من! / همان دم که به خون می‌غلتد /



شاعر
در کنار ذهن شاعرانه
و توانا عاشورا را خوب
می‌شناسد و هنوز که
هنوز است «تبار سر
بریده‌ی میرزا کوچک
خان را در ماجرای
سربریده‌ی سردار
عاشقان جهان حضرت
سید الشهداء علیه
السلام جستجو می‌کند



شماره ۶۷
پاییز ۱۳۸۸

شاعر مجموعه‌ی
«مقتل گل سرخ»
با آمیختگی دو
سبک عراقی و
هندی می‌خواهد
به استقلال زبانی
برسد و در این راه
موفق هست



شماره ۶۷
پاییز ۱۳۸۸

برمی‌خیزد/ مرگ را به مسخره می‌گیرد/ و تا قیام قیامت/ هر
عاشقی/ به جذبه‌ی او زیباست
شعر مقدمه‌ی «بیست و یک» - ص ۸۰
اجازه می‌دهد اما غمین است
غمین قصه‌ی آن نازنین است
چه زیبا می‌رود قاسم به میدان
رجز خوان و سبکروح و خدا خوان
شعر «قصه قاسم» - ص ۶۸
شاهد مثال های این فصل، این نتیجه را نیز می‌دهد که شاعر مجموعه‌ی
«مقتل گل سرخ» با آمیختگی دو سبک عراقی و هندی می‌خواهد به
استقلال زبانی برسد و در این راه موفق هست و این مهم به شعر زیبایی و
حتی آهنگ دلنشین و پر طراوت بخشیده است.

پنج.

شاعر «مقتل گل سرخ» به سبب بهره‌گیری از توصیفات شاعرانه توانست
موفق برآید زیرا منظومه‌ای در نینوا را به نقل روایت محض محدود نکرده
است با اشاره به نکات اخلاقی و پند و اندرز ضمن تنوع بخشی سعی کرد
جهان ذهنی را بسوی عینی هدایت کند و اثر گذار باشد:

چه دارم غیر مشت‌ی واژه‌ی تار

گرفتارم، گرفتارم، گرفتار

خدایا، دست‌ها بیه بی قرارند

در آوار صدا طاق‌ت ندارند

نماز خوف می‌خوانم شکسته

سراپا خوف می‌خوانم نشسته

شکسته سبز در آهنگ باران

اگر دارد صدایم رنگ باران

شعر «تصوف» - ص ۱۴

رفیقان! نینوا میخانه‌ی ماست

رواق شورش مستانه‌ی ماست

شقایخس است بوی خاک پاکش

فدای عاشقان سینه چاکش

شعر «نیستان» - ص ۱۷

عزیزان! کربلا این جاست، این جا

نیایشگاه ما، این جاست، این جا

شب امشب، جشنی از آینه برپاست

خدا را فرصت ناب تماشا است

شب امشب، فرصت راز و نیاز است

دری بر خانه‌ی خورشید باز است

شعر «شب، آینه، تماشا» - ص ۳۴

وضوی خون کنید ای پاکبازان

رفیقان، دلنوازان، خوش نمازان

صعود روح در قوس نزول است

نماز لاله‌ها - بی شک - قبول است

شقایق گونه شد خورشید با ماه
بخوان حمدی - لبالب - قل هو الله
شعر «ازدحام بوی سیب» - ص ۵۲

«رضایی نیا» با بهره‌گیری از خیال پردازی‌ها و ظرافت‌های خاص سبک
هندی توأمان با زبانی ساده و بیانی روشن و عنایت به سبک عراقی زبان
شعر را رها نکرد و به گونه‌ای رقم زد که از لحاظ محتوایی تسلط کافی
دارد و برای رسیدن به «شعر واحد» با موضوع مشخص نباید ابزار را رها
ساخت و به جد همین کرد و آنچه به عنوان نمونه آمد شاهد مثال‌های
روشن و متقنی است که ساده می‌آغازد، خط محتوایی را می‌کشد و با واژه
های شاعرانه ختم کلام را با «پیام» به پایان می‌برد.

شش.

رضایی نیا، هرچند رد انتخاب نام اشعار آگاهانه عمل می‌کند ولی پاره
ای با موضوع تطابق اولیه دارند و مانند «داستان» که نویسنده سعی دارد
نام داستان با موضوع اصلی همخوانی نداشته باشد چنین نکرد وقتی با
نمادهایی چون: آزاد مرد/ قصه قاسم/ الوداع گل سرخ/ سر به مهر/ وارث
آدم/ سجده‌ی سرخ/ تقدیر ارغوان و... روبرو می‌شویم اگر اشعار عاشورایی
را پیش رو نداشته باشیم ناخود آگاه به یاد عاشوار می‌افتیم و این نگاه برای
شاعری چون «رضایی نیا» ضعف بشمار نمی‌رود زیرا خوب می‌داند چرا نام
هایی از این دست را برگزیده، نام‌هایی که در اصل ترکیبات زیبا و جذابی
هستند، ولی می‌شد وقتی نام اثر یعنی «مقتل گل سرخ» خود به خود یعنی
تداعی «عاشورا»؛ نام اشعار را به گونه‌ای دیگر برچین کرد تا هر شعر در
آغاز بدیع تر جلوه کند.

از همین منظر توفیق، ابیات در «مقتل گل سرخ» از لحاظ ارتباط عمودی
یکدست و روان هستند و در بسیاری می‌توان به تک بیت‌های نابی رسید،
تک بیت‌هایی که هم شاهکارند و هم مفهوم واحد دارند:

رها از بود و هستم کن، خدایا

به بوی خویش مستم کن، خدایا

خدا تنهاست، تنهایی شگفت است

یقین، توحید زیبایی شگفت است

حیاتی تازه بخش آب و گلم را

بشوران، نینوایی کن دلم را

ابوالفضلا! دلیل راه من باش

من آن گم کرده راهم، ماه من باش

دلت خورشید رخشان شد، شهیدی

که فردای قیامت رو سپیدی